

حجیت قول خبره

بحث در مدرک و دلیل حجیت قول اهل خبره است. به برخی آیات قرآن تمسک کردیم و بعد به سیره و ارتکاز عقلایی استدلال کردیم. در اصل وجود چنین ارتکاز و سیره‌ای تردیدی وجود ندارد هر چند در حدود آن تشکیکاتی مطرح شده است.

برای بررسی استدلال به این سیره باید دو جهت را بررسی کنیم یکی اصل اعتبار چنین سیره و ارتکازی و دیگری شرایط آن.

اعتبار سیره عقلایی بر عدم ردع از طرف شارع متوقف است و گفتیم ممکن است گفته شود وجود روایت ضعیفی که صدورش محتمل است، می‌تواند مانع تمسک به سیره باشد چرا که اعتبار سیره بر احراز امضای شارع و عدم ردع متوقف است و این متوقف بر جزم به امضاء و عدم ردع است.

اینکه گفته شده است برای ردع ارتکازات عقلایی به روایات متعدد نیاز داریم و برای ردع سیره عقلایی نمی‌توان به روایت واحد تمسک کرد از این جهت است که با وجود سیره عقلایی، ما به عدم صدور آن روایت علم داریم اما اگر صدور روایت محتمل باشد، احراز امضاء ممکن نیست و به تبع نمی‌توان به سیره عقلایی تمسک کرد.

یک روایت را نقل کردیم که ممکن است کسی توهم کند رادع از سیره عقلایی است. عده‌ای از علماء برای نفی اعتبار قول منجمین به این روایت تمسک کرده‌اند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ كَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو عَمْرٍو أَخْبَرَنِي يَا مَوْلَايَ أَنَّهُ رُبَّمَا أَشْكَلَ عَلَيْنَا هَلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا نَرَاهُ وَ نَرَى السَّمَاءَ لَيْسَتْ فِيهَا عَلَّةٌ فَيُفْطِرُ النَّاسُ وَ نُفْطِرُ مَعَهُمْ وَ يَقُولُ قَوْمٌ مِنَ الْحُسَابِ قِبَلَنَا إِنَّهُ يَرَى فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ بَعَيْنَهَا بِمَضْرٍ وَ إِفْرِيقِيَّةٍ وَ الْأَنْدَلُسُ فَهَلْ يَجُوزُ يَا مَوْلَايَ مَا قَالَ الْحُسَابُ فِي هَذَا الْبَابِ حَتَّى يَخْتَلِفَ الْفَرَضُ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ فَيَكُونُ صَوْمُهُمْ خِلَافَ صَوْمِنَا وَ فِطْرُهُمْ خِلَافَ فِطْرِنَا فَوَقَّعَ لَا تَصُومَنَّ الشُّكَّ أَفْطِرْ لِرُؤْيَيْهِ وَ صُمْ لِرُؤْيَيْهِ. (تهذيب الاحكام، جلد ۴، صفحه ۱۵۹)

فرض راوی این است که در شهر راوی هلال دیده نشده است اما منجمین معتقدند هلال در همان شب در مصر و آفریقا و آندلس دیده می‌شود و از امام علیه السلام در مورد امکان چنین چیزی سوال کرده است و امام علیه السلام فرمودند به قول منجمین نباید اعتماد کرد و البته وقوع چنین فرضی را هم نفی نکردند که هلال در آن بلاد قابل رویت باشد و در این بلاد قابل رویت نباشد.

ما در بحث هلال از این روایت برای اثبات وحدت افق استفاده کرده‌ایم به این بیان که مستفاد از روایت این است که رویت هلال در آن بلاد برای حکم به رمضان در بلاد شرقی کافی است چرا که امام علیه السلام احتمال رویت هلال در آن بلاد را موجب این قرار دادند که فردا در بلاد شرقی یوم الشک باشد در حالی که

اگر رویت هلال در آن بلاد غربی کافی نبود و در این بلد هم با وجود نبود مانع و صاف بودن هوا، هلال در آسمان دیده نشده نباید فردا را یوم الشک حساب می‌کردند بلکه می‌گفتند رویت هلال در آن بلاد، ربطی به شما ندارد و وجود هلال در آن بلاد در مورد اثبات هلال در این بلد ارزشی ندارد.

در هر حال به نظر ما این روایت رادع از سیره عقلایی در رجوع به اهل خبره نیست چون:

اولا مورد روایت از مواردی است که قول اهل خبره در آن معتبر نیست چون مورد روایت، خبر از رویت هلال است نه خروج هلال از محاق و رویت هلال از امور حسی است و اخبار از رویت هلال بر اساس محاسبات معتبر نیست چرا که قبلا گفتیم در امور حسی که اطلاع از آنها بر اساس حس ممکن است، خبر حسی و قول اهل خبره فاقد اعتبار است.

ثانیا مفاد این روایت این است که قول منجمین فاقد اعتبار است چون روزه خصوصیت دارد. آن خصوصیت در روایات دیگر هم مذکور است و آن اینکه فریضه الهی را بر اساس ظن و غیر جزم نمی‌توان انجام داد. درست است که قول اهل خبره حجت است اما مفید علم نیست و فریضه الهی را نمی‌توان بر اساس غیر علم انجام داد و لذا در روایت هم تصریح شده است که «لَا تَصُومَنَّ الشَّكَّ». پس این حکم خاص صوم و فرایض الهی است و لذا حجیت بینه در اثبات هلال هم تعبدی است.

روایت این طور است:

سَعْدُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَمْ يُجْزِي فِي رُؤْيَةِ الْهَلَالِ فَقَالَ إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ فَرِيضَةٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ فَلَا تُؤَدُّوا بِالتَّطَيُّبِ وَ لَيْسَ رُؤْيَةُ الْهَلَالِ أَنْ يَقُومَ عِدَّةٌ فَيَقُولَ وَاحِدٌ قَدْ رَأَيْتُهُ وَ يَقُولَ الْأَخْرُونَ لَمْ نَرَهُ إِذَا رَأَهُ وَاحِدٌ رَأَهُ مِائَةً وَ إِذَا رَأَهُ مِائَةً رَأَهُ أَلْفٌ وَ لَا يُجْزِي فِي رُؤْيَةِ الْهَلَالِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِي السَّمَاءِ عِلَّةٌ أَقَلُّ مِنْ شَهَادَةِ حَمْسِينَ وَ إِذَا كَانَتْ فِي السَّمَاءِ عِلَّةٌ قُبِلَتْ شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ يَدْخُلَانِ وَ يَخْرُجَانِ مِنْ مِصْرٍ. (تهذيب الاحكام، جلد ۴، صفحه ۱۶۰)

و لذا فقهاء هم فتوا داده‌اند که در صورت شک در تعداد رکعات فرد نمی‌تواند با همان حالت شک نماز را ادامه بدهد.

پس قول اهل خبره معتبر است اما در فریضه چون لازم است بر اساس جزم اداء شود نمی‌تواند به قول خبره اعتماد کرد.

ثالثا ممکن است مستفاد از تفریع مذکور در روایت این باشد که خود آن منجمین هم به رویت هلال در آن بلاد جازم نبوده‌اند و لذا امام علیه السلام فرمودند بر اساس شک نمی‌شود روزه گرفت. اگر این بیان تمام باشد و تنها دلیل عدم حجیت قول منجمین در اثبات هلال همین روایت باشد، حتی می‌توان قول اهل خبره و منجمین را در رویت هلال معتبر دانست البته در بعضی موارد بر اساس اخبار حسی و در بعضی موارد بر اساس قول خبره.